

بررسی خودکشی در فقه و حقوق جزای ایران

شهاب الدین بهادر

کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی یاسوج، یاسوج، ایران.

چکیده

پدیده «خودکشی» از دیدگاه علوم مختلف چون روان شناسی، جامعه شناسی، پزشکی، جرم شناسی و حقوق کیفری قابل تحلیل و بررسی است. از لحاظ حقوق کیفری، بحث راجع به خودکشی، در حاشیه بررسی های قتل ها به میان می آید. از این حیث، خودکشی یا انتحار، قتل است که مرتکب جرم (قاتل) مفعول جرم (مقتول) نیز می باشد. به عبارت دیگر، هرگاه مجنی علیه یا بزه دیده قتل، خود قاتل باشد، خودکشی تحقق می یابد. آمارهای انتشار یافته در مورد خودکشی، کامل و قابل اعتماد نیست؛ زیرا بیمارستان ها، بسیاری از خودکشی ها را تحت عناوین دیگری اعلام می کنند و به همین دلیل، بسیاری از انتحارها در آمارهای رسمی منعکس نمی شوند. مقامات ذی صلاح معتقدند که بعد از مرگ ناشی از تصادفات رانندگی، خودکشی دومین عامل مرگ و میر جوانان است. خودکشی از دیدگاه شرع اسلام قوانین کیفری دارای احکام خاصی بوده و حرام می باشد. این نوشتار به بررسی فقهی خودکشی از منظر کتاب، سنت و اجماع می پردازد و ضمانت اجرای ممنوعیت این عمل را در نظام حقوقی ایران و اسلام و نیز حقوق تطبیقی به بحث می گذارد.

واژه های کلیدی: خودکشی، فقه و حقوق کیفری

مقدمه

از لحاظ حقوق کیفری، بحث راجع به خودکشی در حاشیه بررسی‌ها قتل‌ها به میان می‌آید. از این حیث خودکشی یا انتحار عبارت است از قتلی که فاعل جرم (قاتل)، مفعول جرم (مقتول) نیز می‌باشد. به عبارت دیگر، هرگاه مجنی علیه (بزه دیده) قتل، خودش قاتل باشد عمل خودکشی تحقق می‌یابد. در واقع خودکشی نوعی از قتل همراه با وحدت قاتل و مقتول است. براین اساس باید گفت خودکشی و به تبع آن، از جمله بارزترین مواردی هستند که در آنها بزه‌کار و بزه دیده یک فرد واحد می‌باشد. بنابراین خودکشی مهم‌ترین نوع خشونت تغییر شکل داده شده است. در این نوع خشونت، فرد مرتکب به جای اینکه دیگران را مورد حمله و تعرض قرار دهد، به زندگی و حیات خود حمله کرده و به آن خاتمه می‌دهد. وقتی در مقابل علت مرگ مشاهیری همانند ارنست همینگوی، ونسان ونگوک، ویرجینیا ولف، مرلین مونرو، آدولف هیتلر، کلتوپاترا و ... با کلمه ی خودکشی رو به رو می‌شویم، وقتی هر روز در اخبار روزنامه‌ها واژه ی خودکشی را می‌خوانیم، و گه گاه از این سو و آن سو با آمار رو به گسترش آن در جهان رو به رو می‌شویم خواه، نا خواه ماهیت پیچیده ی این پدیده ذهن مان را درگیر خود می‌سازد. پدیده ای که پیچیدگی اش منحصر به علل متعدد آن نبوده و حتی نحوه ی برخورد با اقدام کنندگان ناموفق و یاری دهندگان آنان را در بر می‌گیرد. پدیده ای که گاهی که با قتل‌هایی حرفه ای اشتباه گرفته می‌شود، پدیده ای که عموماً خانواده قربانیان از فاش شدنش می‌هراسند و آن را خللی بر آبروی متوفی و نزدیکان وی می‌شناسند. در کشور ما خودکشی با نام صادق هدایت عجین شده است. هدف از این تحقیق بررسی خودکشی در فقه و حقوق جزایی ایران می‌باشد و سوالی که باید به آن پاسخ داده شود این است که آیا در فقه و حقوق کیفری ایران برای مقابله با خودکشی اقدامات قانونی لازم صورت می‌گیرد؟

بررسی خودکشی از منظر آسیب شناسی اجتماعی

خودکشی بیشتر به گونه آسیب رساندن به قسمت‌های مورد دسترس در بدن انجام میشود و در افراد مختلف متفاوت است مثلاً در زنان خودکشی بیشتر با خوردن قرص و یا سیاه نور مشاهده میشود در مردان خودکشی خشن تر می‌باشد مثلاً به وسیله سلاح گرم چاقو و گاهی اوقات حلق آویز کردن خود به چشم می‌خورد بعضی از افراد هم بعد از خودکشی پشیمان میشوند. معمولاً در خودکشی درب اتاق قفل و یا در یک جای خلوت می‌باشد همچنین محل انجام خودکشی نیز در بیشتر مواقع مرتب می‌باشد و بر روی جسد هیچ اثری از کشمکش یا ضربه وجود ندارد همچنین پزشکی قانونی با توجه به شرایط قبل از مرگ فرد با مطالعه پرونده پزشکی و صحبت کردن با پزشک او در مییابد که آیا این فرد دچار مشکل روانی بوده یا اثری از یاس یا ناامیدی داشته که منجر به انجام خودکشی شود یا خیر؟ (صدیق سروستانی، ۱۳۸۵).

خودکشی از دیدگاه تاریخ حقوق کیفری

خودکشی، پدیده‌ای است که همواره در طول تاریخ و در کشورها و ملل مختلف وجود داشته است. البته در قدیم‌الایام اکثر ملت‌ها نه تنها خودکشی را جرم نمی‌دانستند، بلکه در پاره‌ای از موارد نیز از آن به عنوان یک عمل افتخارآمیز یاد می‌کردند. خودکشی‌های معروفی همچون خودکشی ملکه زیبای مصر که سزار را شیفته خود کرده بود و به طرز جالبی ماری را به گزیدن خود واداشت و همچنین خودکشی‌های ژاپنی‌های عصر سامورایی‌ها که نامیده می‌شد، از نوع خودکشی‌های افتخارآمیز می‌باشند. در این مورد باید گفت که وقتی شرافت و مردانگی یک سامورایی خدشه‌دار می‌شد، او باید خودکشی می‌کرد و در غیر این صورت مایه ننگ خود و خانواده‌اش محسوب می‌گشت. خودکشی‌های معروف به (Inuit) و (Suttee) نیز جزء خودکشی‌های تهورگرایانه و افتخارآمیز محسوب می‌شدند. در مراسم پیرمردان اسکیمو هنگامی که نمی‌توانستند در تامین معاش خانواده شرکت کنند، از گروه جدا شده و به گوشه‌ای می‌رفتند تا بمیرند. در مراسمی که یک سنت دیرین در هندوستان بود، زنان بیوه خود را روی جسد شوهرانشان در میان تلی از هیزم می‌انداختند و زنده زنده می‌سوختند. نمونه‌های دیگری از خودکشی‌های افتخارآمیز را نیز می‌توان در روم و یونان باستان جستجو کرد. به طور مثال، هنگامی که همسر که جزء عاملان قتل جولوس سزار بود و سرانجام توسط یکی از دوستانش و با درخواست خودش با نوعی از اتانازی کشته شد که در صدد خودکشی بود از این عمل بازداشتند، او به منظور پیوستن به شوهر خود، چند قطعه آتش را بلعید و به این صورت

خود را کشت. گفته می‌شود در برهه‌ای از تاریخ یونان، خودکشی در بین زنان بسیار رایج شده بود و تمام تلاش‌های حکومت وقت نیز برای جلوگیری از این نوع خودکشی‌ها به نتیجه‌ای نرسیده بود. سرانجام حکومت وقت چاره را در آن دید که مقرر دارد: جسد زنانی که خودکشی کرده‌اند به صورت عریان در معرض دید عموم قرار گیرد و این کیفر، مجازات خودکشی زنان تلقی می‌گشت. همین مجازات نیز سبب شد که تعداد خودکشی زنان یونانی به شدت کاهش یابد. در روم قدیم، در قرون اول و دوم میلادی از محاکمه یا مجازات مردگان خودداری می‌کردند. ولی بعدها موضوعی پیش آمد که موجب گردید معافیت تعقیب مردگان از بین برود. موضوع از این قرار بود که در آن ایام مرسوم بود که هرگاه کسی محکوم به مرگ می‌شد، اموالش نیز به نفع دولت ضبط می‌گردید. بنابراین بعضی از محکومان به مرگ، برای جلوگیری از ضبط اموالشان به وسیله دولت، در مواقعی که احساس خطر می‌کردند، در صدد انتحار برمی‌آمدند تا بدین وسیله دولت را از ضبط اموالشان پس از مرگ بازدارند. دولت روم نیز برای جلوگیری از این امر، در اواخر قرن دوم و اوایل قرن سوم میلادی مقرر داشت: وصیت‌نامه کسانی که از ترس مجازات، خودکشی می‌نمایند محکوم به بطلان است و به علاوه، اموال این درگذشتگان هم باید به نفع دولت ضبط گردد. سرانجام در قرن ششم میلادی امپراطور روم مقرر داشت کسی که خودکشی می‌نماید باید مجازات شود و ازدواج با بیوه چنین فردی موجب ننگ و سرافکنندگی می‌باشد. نحوه مجازات انتحارکننده هم به این صورت بود که جسد او را روی چهارچرخه به پشت خوابانیده و در شهر به معرض نمایش می‌گذاشتند و سپس جسد را به زباله‌دانی می‌انداختند. تا قبل از انقلاب کیبرفرانسه، خودکشی در این کشور به دلیل نفوذ مذهب مسیحیت قابل مجازات بود. کیفر فرد انتحارکننده هم این بود که اموال و دارایی او به نفع دولت ضبط شده و جسدش نیز برای رسوایی بروی سبدهی گذاشته شده و به اسبی بسته می‌شد تا اسب آن را بکشد و البته چنین فردی از تشریفات دفن اموات محروم می‌شد. اما بعد از انقلاب کیبرفرانسه، مجازات‌های سابق خودکشی ملغی گشتند. به همین دلیل در قانون جزای فرانسه (مصوب ۱۸۱۰)، خودکشی یا قتل خویشتن فاقد وصف مجرمانه و طبعاً غیرقابل مجازات دانسته شد و مساله مشارکت یا معاونت در خودکشی نیز غیرقابل طرح بود. در این زمان در فرانسه، بنابر نظریه (ماده ۵۹ قانون جزای مصوب ۱۸۱۰ میلادی)، تحریک یا کمک به خودکشی جرم محسوب نمی‌شد. دیوان کشور فرانسه در سال ۱۸۱۵ میلادی چنین رای داد: اما در همان زمان، تحت عنوان جرم، امکان رسیدگی به این موارد وجود داشت. (ماده ۳۱۹ قانون جزای مصوب ۱۸۱۰ میلادی) رویه قضایی فرانسه نیز در گذشته، قتل بنا به درخواست یا فرمان را جنایت شمرده بود.^۲

در حال حاضر در کشور فرانسه، خودکشی جرم نیست ولی تحریک به خودکشی یا تبلیغ و آگاهی به هر نحوی و از طریق جراید و وسائل سمعی و بصری، موضوع مواد ۱۳ - ۲۲۳ و ۱۴ - ۲۲۳ و ۱۵، قانون جزای فرانسه مصوب ۱۹۹۲ میلادی می‌باشد که از سال ۱۹۹۴ به مورد اجرا گذارده شده است. برابر مواد مزبور، تحریک به خودکشی موضوع جرم مستقلی گردیده است. براساس مواد فوق، اقدام به تحریک دیگری به خودکشی مستوجب سه سال حبس و سیصد هزار فرانک جریمه نقدی است، در صورتی که تحریک منتهی به خودکشی یا شروع به خودکشی شده باشد. چنانچه جرم مذکور (در بند قبلی) نسبت به کسی که دارای کمتر از ۱۵ سال سن باشد ارتکاب یابد، مجازات مرتکب ۵ سال حبس و جزای نقدی به مبلغ پانصد هزار فرانک تعیین گردیده است. در روسیه، آلمان و انگلستان در قرن ۱۹ میلادی، به پیروی از مذهب، خودکشی جنایت محسوب می‌شد. در این صورت، چنین جنایتی اگر ثمره الکلیسم یا تبهکاری یا بیماری (به طور کلی) به ویژه بیماری‌های روانی می‌بود، از نظر طبقه‌بندی جرایم در شمار جنایات ناشی از شهوت قلمداد می‌شد. در این زمان در انگلستان اگر انتحار منجر به مرگ می‌شد، انتحارکننده از تشریفات مذهبی دفن و تشییع جنازه محروم می‌گشت و اگر شروع به انتحار شده بود ولی به نتیجه نرسیده بود، عمل مرتکب در حکم قتل عمد ساده تلقی می‌گشت. بنابراین در حقوق جزای قدیم انگلستان، خودکشی جنایت محسوب می‌گشت و در خودکشی‌های مضاعف نیز بازمانده، پس از مرگ طرف دیگر، قاتل شناخته می‌شد.

^۱ قانون جزای فرانسه ماده ۳۱۹

^۲ رای دیوان کشور فرانسه در تاریخ ۲۱ اوت ۱۸۵۱

ماده ۲۱۶ قانون جزای آلمان^۳ نیز قتل بر اثر الحاح و تمنای صریح و جدی مجنی علیه (قتل از روی ترحم یا اتانازی) را قتل عمد می‌شناخت.

قانون جزای ایتالیا، قتل بارضایت مجنی علیه را در ماده ۵۷۹ و تحریک یا کمک به خودکشی را به موجب ماده ۵۸۰ جرم دانسته و کیفرهای این جرایم را نیز در برخی موارد تشدید کرده است همچون مواردی که مجنی علیه کمتر از ۱۸ سال سن داشته یا دچار اختلال روانی باشد.^۴ به موجب ماده ۵۸۰ قانون جزای ایتالیا مجازات خواهد شد. همچنین مطابق ماده ۵۷۲ قانون جزای ایتالیا، کسی که در اثر سوءرفتار سبب مرگ و خودکشی دیگری شود، سوءرفتار موجب کیفیت مشدده خواهد شد. در آمریکا مطابق قانون جزایی نیویورک مصوب ۱۸۸۱ میلادی به این ترتیب مشاهده می‌شود که برخلاف قانون جزای قدیم فرانسه، بعضی از کشورها همچون انگلستان در قرن ، خودکشی را قابل مجازات می‌دانستند. در مورد خودکشی که از نظر حقوق کیفری دارای اهمیت فراوان است، باید توجه داشت که نحوه کیفری تلقی کردن خودکشی در قرن بیستم دارای تحولاتی بوده است، به طوری که این عمل در بین جوامعی که آن را جنایت محسوب می‌کردند قاطعیت خود را از دست داد. به این ترتیب با تصویب در انگلستان، ضمن پیدا شدن یک راه حل حقوقی برای جرم شناختن معاونت در خودکشی، نگرانی آن افرادی که تصور می‌کردند با الغای قانون مجازات خودکشی، این عمل قبیح رو به فزونی خواهد رفت، رفع گردید. البته مساله مساعدت، کمک و معاونت در خودکشی غیر از قوانین جزایی فرانسه و انگلستان، در قوانین جزایی کشورهای دیگری همچون نروژ، دانمارک، ایسلند و سوئیس مورد توجه قرار گرفته است. به طور مثال، قانون جزای ۱۹۳۸ سوئیس که در سال ۱۹۵۰ اصلاح شده است در ماده ۱۱۵، فعل کسی را که با سوءنیت دیگری را تحریک و وادار به خودکشی کند یا برای اینکار با او مساعدت نماید، قابل مجازات دانسته است.^۵

قانون مجازات عراق (مصوب ۱۹۶۹) نیز تحریک به خودکشی را با توجه به عواقب آن و موقعیت سنی و کیفیت شعور مجنی علیه مورد توجه قرار داده و ماده ۴۰۸ خود را در ۳ بند به شرح زیر به این امر اختصاص داده است:

(۱) هر کس دیگری را تحریک به خودکشی نماید یا به هر وسیله‌ای او را کمک به خودکشی کند، اگر این اعمال منتهی به انتحار گردند، مجازات مرتکب تا حداکثر هفت سال حبس خواهد بود؛ اگر این تحریک و کمک به خودکشی منتهی به انتحار نشده و شروع به آن باشد، مجازات تحریک کننده حبس خواهد بود.

(۲) اگر سن خودکشی کننده کمتر از ۱۸ سال بوده یا دارای نقص ادراک و اراده باشد، این موارد از موجبات تشدید مجازات است؛ چنانچه خودکشی کننده فاقد ادراک یا اراده باشد بر حسب مورد، تحریک کننده به مجازات قتل عمدی یا شروع به قتل عمدی محکوم خواهد شد.

(۳) شروع به خودکشی فاقد مجازات است. (کلارکسن ۱۹۷۶).

خودکشی از دیدگاه حقوق جزای ایران

خودکشی^۶ از دیدگاه علوم مختلفی چون روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، پزشکی، جرم‌شناسی و حقوق جزا (کیفری) قابل تحلیل و بررسی است. از لحاظ حقوق کیفری، بحث راجع به خودکشی در حاشیه بررسی‌ها قتل‌ها به میان می‌آید. از این حیث خودکشی یا انتحار عبارت است از قتلی که فاعل جرم (قاتل) مفعول جرم (مقتول) نیز می‌باشد. به عبارت دیگر، هرگاه مجنی علیه (بزه دیده) قتل، خودش قاتل باشد عمل خودکشی تحقق می‌یابد. در واقع خودکشی نوعی از قتل همراه با وحدت قاتل و مقتول است. براین اساس باید گفت خودکشی و به تبع آن خودزنی از جمله بارزترین مواردی هستند که در آنها بزه‌کار و بزه

^۳ قانون جزای آلمان، ماده ۲۱۶

^۴ قانون جزای ایتالیا، ماده ۵۷۹

^۵ ماده ۱۱۵ قانون جزای سوئیس

^۶ Cholarcsoon

^۷ Suicide

دیده یک فرد واحد می‌باشد. بنابراین خودکشی مهمترین نوع خشونت تغییر شکل داده شده است. در این نوع خشونت، فرد مرتکب به جای اینکه دیگران را مورد حمله و تعرض قرار دهد، به زندگی و حیات خود حمله کرده و به آن خاتمه می‌دهد. (کی نیا، ۱۳۸۴).

عمل خودکشی مختص زمان حاضر نبوده و از دوران‌های بسیار قدیم تا به حال وجود داشته است؛ اما آنچه که تازگی دارد گسترش و افزایش تعداد خودکشی‌ها می‌باشد. آمارهای انتشار یافته در مورد خودکشی‌ها کامل نبوده و آن طور که باید تعداد واقعی خودکشی‌ها را نشان نمی‌دهد. البته علت این امر آن است که بیمارستان‌ها، بسیاری از خودکشی‌ها را تحت عناوین دیگری قلمداد می‌کنند و به همین دلیل، بسیاری از انتحارها در آمارهای رسمی منعکس نمی‌شوند. نباید فراموش کرد که در زمان‌های گذشته معمولاً خودکشی در نیمه دوم دوران عمر انجام می‌گرفت، ولی در حال حاضر بیشتر مرتکبان آن جوانان هستند. مقامات ذی‌صلاح معتقدند بعد از مرگ ناشی از تصادفات رانندگی، خودکشی دومین عامل مرگ و میر جوانان است. بررسی و مطالعه در مورد خودکشی از دیدگاه فقهی و حقوقی حائز کمال اهمیت است، زیرا این پدیده از دیدگاه شرع اسلام و قوانین جزایی دارای احکام خاصی می‌باشد. در بررسی فقهی خودکشی، باید آن را از منظر کتاب، سنت و اجماع مورد توجه قرار داد و ضمانت اجرای ممنوعیت این عمل را در نظام حقوقی اسلام مشخص نمود. برای بررسی خودکشی از دیدگاه حقوق کیفری نیز ابتدا باید این عمل را از منظر تاریخ حقوق کیفری و سپس حقوق جزای تطبیقی مورد مطالعه قرار داد و نهایتاً به تحلیل آن در حقوق جزای داخلی (ایران) پرداخت. (اردبیلی، ۱۳۷۹).

در شریعت اسلام و منطبق قرآن، خودکشی به عنوان ارتکاب فعل حرام، ممنوع شده و به تبع آن دارای عقوبت اخروی خواهد بود. اما در مورد خودکشی از دیدگاه حقوق کیفری ایران، باید دانست مادام که فعل یا ترک فعلی را قانونگذار جرم نشناخته و برای آن مجازات یا اقدامات تأمینی تعیین نکرده است، ولو این افعال یا ترک افعال زشت و ناپسند باشند، قابل تعقیب و مجازات نیستند. از این رو، افعالی مانند خودکشی یا خودزنی که در اسلام گناهی بزرگ محسوب می‌شوند، چون در قوانین کیفری به عنوان جرم شناخته نشده‌اند، قابل طرح و رسیدگی در محاکم نخواهند بود. در واقع، تعیین جرم از وظایف منحصر قانونگذار است. لذا در اجرای این وظیفه، قانونگذار باید کوشش کند افعال مجرمانه را به صراحت و بدون ابهام تعیین کند تا بعداً به بهانه تفسیر، دادرسان نتوانند آزادی‌های مردم را به مخاطره اندازند. به عبارت دیگر، هیچ چیز مهمتر از آن نیست که مخاطبان قانونگذار به درستی تکلیف خود را بدانند تا بتوانند آن را دقیقاً ادا نمایند. (کی نیا، ۱۳۸۴).

در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ شمسی و اصلاحات آن در سال ۱۳۵۲، خودکشی جرم نبود و اساساً راجع به خودکشی، شروع به خودکشی، معاونت و مشارکت در خودکشی مجازاتی پیش‌بینی نشده بود.^۸

در حال حاضر نیز در قوانین جزایی ایران خودکشی یا شروع به آن جرم نبوده و مجازاتی ندارد، زیرا اعمال کیفر نسبت به خودکشی کننده واجد جنبه پیشگیری نیست و هر نوع عکس‌العمل قانونی، موجب لطمه مادی و معنوی فامیل و بستگان وی خواهد شد. در واقع با فقدان نص خاصی در مورد خودکشی یا شروع به آن، این عمل قابل مجازات نیست (اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها). در عین حال باید توجه داشت که سایر صدمات بدنی شخصی، در صورتی که توأم با مسئولیت خاص باشد در مواردی جرم و قابل مجازات است. بنابراین از غیرقابل مجازات بودن خودکشی نباید چنین نتیجه گرفت که سایر صدمات بدنی که کسی به انگیزه خاص، شخصاً به خود وارد می‌کند (مثل اینکه آگاهانه عضوی از اعضای بدن خود را به منظور فرار از انجام خدمت وظیفه عمومی ناقص نماید) قابل مجازات نیست، بلکه این قبیل صدمات شخصی بدنی به عنوان عمل مجرمانه، ممنوع و قابل مجازات می‌باشند. به طور مثال، مطابق ماده ۵۹ قانون سابق مجازات جرایم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۷۱)، مثال دیگری که در این مورد می‌توان ذکر نمود ماده ۵۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح (مصوب بهمن ۱۳۸۲) است. مطابق ماده فوق هر نظامی که برای فرار از کار یا انجام وظیفه و یا ارباب و تهدید فرمانده یا رئیس و یا هر

^۸ قانون مجازات عمومی ایران، مصوب ۱۳۰۴

مافوق دیگر یا برای تحصیل معافیت از خدمت و یا انتقال به مناطق مناسبتر و یا کسب امتیازات دیگر عمداً به خود صدمه وارد آورد یا تهدید به خودزنی نماید یا به عدم توانایی جسمی یا روحی متعذر شود و بنا به گواهی پزشک نظامی یا پزشکان قانونی، تمارض او ثابت گردد و یا در انجام وظایف نظامی بی‌علاقگی خود را در موارد متعدد ظاهر کند به نحوی که در تضعیف سایر نیروهای نظامی موثر باشد، علاوه بر جبران خسارت وارده به ترتیب زیر محکوم می‌گردد:

- الف - هرگاه در مقابل دشمنان باشد چنانچه عمل وی موجب اخلال در نظم (به هم خوردن امنیت کشور) و یا شکست جبهه اسلام گردد، به مجازات محارب و در غیر این صورت به حبس از دو تا ده سال.
- ب - هرگاه در زمان جنگ باشد و در مقابل دشمنان نباشد، به حبس از یک تا پنج سال.
- ج - در سایر موارد به استثناء مواردی که صرفاً تخلف انضباطی محسوب می‌شود به حبس از سه ماه تا یک سال.

بررسی خودکشی از دیدگاه فقه جزایی

هرکس باید ایمان پیدا کند که حیات ودیعه و امانت الهی بوده و نقطه عزیمت اعتلاء و کمال آدمی است. خیانت در این امانت از نظر عقل و مذهب و البته اخلاق، جنایتی غیرقابل بخشش می‌باشد. خودکشی اهانت به خداوند متعال است و اسلام نیز به این دلیل، چنین اهانتی را نسبت به خالق تحمل نکرده و آن را گناهی نابخشودنی اعلام نموده است. شریعت الهی حقوق افراد را عطیه‌ای از جانب خداوند متعال درباره بندگان می‌شمارد و هرگونه تصرف و استفاده از این حقوق را که منافی و مناقض شریعت و مقاصد شارع انجام گیرد، باطل به حساب می‌آورد. به همین دلیل دین اسلام خودکشی را در عداد گناهان بزرگ قرار داده و مرتکب آن را مستوجب عقاب و کیفر اخروی می‌داند؛ زیرا حیات از جمله عطایایی است که خداوند در وجود افراد به ودیعه نهاده است و افراد بشر نمی‌توانند این حق را از خود سلب کنند. ودیعه جانشین کردن در حفظ و نگهداری می‌باشد (الودیعه هی استنباه فی الحفظ). درباره احترام و حمایت از حق حیات و حرمت دماء، آیات متعددی در قرآن کریم وارد شده است و در تعالیم و ارشادهای پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصوم (ع) نیز این موضوع مورد عنایت قرار گرفته است. (کی نیا، ۱۳۸۴)

خودکشی از دیدگاه احادیث، اخبار و روایات (سنت)

(سنت) از نظر شیعه، عبارت از (قول) یا (فعل) یا (تقریر) سکوت و رفتار تاییدآمیز معصوم (ع) در امور دینی است. نقل و حکایت سنت را (روایت و حدیث) و (خبر) گویند. در مورد خودکشی روایات و احادیث متعددی وجود دارد که برخی از آنها عبارتند از: حضرت علی (ع) فرمود: (مومن ممکن است به هر نوع مرگی بمیرد، اما خودکشی نمی‌کند. پس کسی که بتواند خون خود را حفظ کند و با این وجود از قاتل خود جلوگیری نکند تا کشته شود، قاتل خود خواهد بود).^۹

امام باقر (ع) فرمود: (به درستی که مومن به هر بلایی مبتلا می‌شود و به هر قسم مردنی می‌میرد، جز اینکه او خود را نخواهد کشت).

امام صادق (ع) فرمود: کسی که عمداً خود را بکشد، برای همیشه در آتش جهنم خواهد بود؛ چون خدای تعالی فرموده است: (ولاتقتلوا انفسکم ان الله کان بکم رحیماً و من یفعل ذلک عدواناً و ظلماً فسوف نصلیه ناراً و کان ذلک علی الله یسیراً) یعنی: خودتان را نکشید، همانا خداوند نسبت به شما مهربان است و هرکس از روی دشمنی و ستمگری چنین کاری کند [یعنی خود را آلوده خوردن اموال دیگران به ناحق سازد و یا دست به انتحار و خودکشی بزند] پس او را به زودی در آتش دوزخ درآوریم و این کار برای خدا آسان است. (ولیدی، ۱۳۸۰).

در (تفسیر عیاشی) تالیف (محمد بن مسعود سمرقندی) آمده است: حسن بن زید از پدرش از علی بن ابی طالب (ع) روایت کرد که فرمود: من از رسول خدا (ص) از مساله جبیره پرسیدم سئوالم این بود که صاحب این جبیره چگونه وضو بگیرد و اگر جنب شد چگونه غسل کند؟ حضرت فرمود: همین مقدار کافی است که دست خود را که به آب وضو و غسل تر شده است بر روی جبیره بکشد، هم در وضو و هم در جنابت. عرضه داشتم: حال اگر این ماجرا در هوای سرد و یخبندان اتفاق بیفتد و صاحب

^۹ نهج البلاغه

جبیره از ریختن آب بر بدن خود بترسد، چه باید کرد؟ پیامبر(ص) در پاسخ من این آیه را قرائت کردند: ولاتقتلوا انفسکم ان الله کان بکم رحیماً؛ یعنی خودتان را نکشید همانا خداوند نسبت به شما مهربان است. همانطور که مشهود است، براساس روایات و اخبار معصومین(ع) خودکشی جایز نیست. در کتب روایی، احادیث متعددی وجود دارند که براساس آنها یک فرد مومن، استوار و محکم و در عین حال انعطاف‌پذیر است. در واقع، انسان مومن به هیچ‌وجه در مقابل مشکلات کمر خم نمی‌کند و هرگز در برابر حوادث ناگوار روزگار تن به خودکشی نمی‌دهد. امام صادق(ع) فرمود: (المومن کالجبل الراسخ لا تحرکه العواصف) یعنی: مومن مثل کوه استوار است، هیچ مصیبتی او را تکان نمی‌دهد. در حقیقت، هرچه باران و برف ببارد و هرچه طوفان شدید باشد، کوه از جای خود تکان نمی‌خورد. مومن نیز همچون کوه پابرجاست و هیچ حادثه و مصیبتی او را دگرگون نمی‌کند. همچنین امام صادق(ع) در روایت دیگری فرمودند: (المومن کالسنبله) یعنی: مومن مثل شاخه گندم می‌باشد. بدیهی است که شاخه گندم قابل انعطاف بوده و هر قدر که باد تند و شدید باشد، نمی‌تواند آن را از ریشه درآورد. جمع بین دو حدیث فوق چنین می‌شود که مومن درحالی که مثل شاخه گندم انعطاف‌پذیر است، همچون کوه نیز پابرجاست. انسان مومن هرگز خودکشی نمی‌کند، زیرا همیشه به رحمت و کمک خداوند متعال امیدوار بوده و همواره در کارها (متوکل) می‌باشد و همانطور که خداوند فرموده است: (ان الله یحب المتوکلین) یعنی: به درستی که خداوند توکل‌کنندگان را دوست دارد^۱. (کی نیا، ۱۳۸۴).

خودکشی از دیدگاه فقها (اجماع)

(اجماع) بنابر تعریف اصولیین شیعه عبارت است از اتفاق جماعتی (که منظور مجتهدین مذهب اسلام است)، که اتفاق آنها کاشف از رای معصوم باشد برامری از امور دینی. اجماع را دلیل مستقلی در عداد سایر ادله استنباط احکام مانند کتاب و سنت دانسته‌اند. البته باید توجه داشت که گاهی از کتاب یا سنت دلیلی برای اثبات حکم مسأله‌ای وجود دارد (همچون خودکشی و انتحار) و در نتیجه، همه فقها برآن حکم اتفاق نظر پیدا می‌کنند و به اصطلاح (اجماع) تحقق می‌یابد. ولی گاهی چنین نیست و دلیلی برای اثبات حکم مسأله وجود ندارد و با این حال (اجماع) به وجود آمده است. اجماع نوع دوم ارزش اثباتی بیشتری دارد و در این صورت به درستی می‌توان آن را در شمار ادله دیگر استنباط احکام ذکر کرد. اما اجماع نوع اول را که (اجماع مدرکی) می‌نامند، نمی‌توان دلیلی مستقل از ادله دیگر استنباط احکام دانست، زیرا فرض این است که مستند حکم مسأله، کتاب یا سنت است. اجماعی که بین فقها در مورد حرمت خودکشی وجود دارد نیز از نوع (اجماع مدرکی) می‌باشد، زیرا اصل حکم حرمت انتحار در کتاب و سنت اثبات شده است. با این حال، ذکر بعضی از اقوال علمای شیعه در مورد خودکشی لازم به نظر می‌رسد. (محسنی، ۱۳۷۶).

ملا محمد باقر مجلسی (متوفی ۱۱۱۱ ق) پس از نقل حدیثی از امام علی(ع) که فرموده‌اند: مسلمان به هر بلایی گرفتار می‌گردد و با هر مرگی از دنیا می‌رود غیر از خودکشی. پس کسی هم که قدرت داشته باشد جان خود را حفظ کند و این کار را نکند، خودکشی کرده است. می‌نویسد: کسی که با حربه یا سم یا اعتصاب غذا یا نخوردن دارویی - که می‌داند برای او مفید است - جان بدهد، خودکشی کرده است. شیخ محمدحسن نجفی اصفهانی ملقب به (صاحب جواهر، متوفی ۱۲۶۶ ق) در کتاب ارزشمند (جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام) می‌نویسد: خودکشی برای رهایی از رنج و فشار شدید ناشی از تشنگی و گرسنگی که ممکن است به مرگ انجامد، جایز نیست.

شاید از نظر عده‌ای، خودکشی در فرض فوق نوعی از (اضطرار) باشد؛ لیکن چنین بحثی منتفی است، زیرا عمل ارتكابی متناسب با خطر موجود نبوده و برای دفع آن نیز ضرورت ندارد. نکته مهم این است که برخی از محققان، با توجه به قاعده فقهی (الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم) یعنی: مردم بر اموال خود و جان خویش مسلط هستند، در حرمت خودکشی تشکیک کرده‌اند. در پاسخ این مطلب باید گفت که قاعده مذکور بدون کلمه (انفسهم) صحیح می‌باشد و در غالب کتب معتبر (قواعد فقه) شیعه

^۱ آیه ۱۵۹ سوره آل عمران

نیز قاعده فوق که به (قاعده تسلیط) معروف است به صورت (الناس مسلطون علی اموالهم) آمده است. بنابراین در قاعده تسلیط، کلمه (انفسهم) وجود ندارد. از طرف دیگر، باید توجه داشت که حتی اگر کلمه (انفسهم) را در قاعده تسلیط داخل بدانیم و ذکر آن را لازم فرض کنیم، باز هم توجیه اباحه خودکشی براساس آن امکان پذیر نیست؛ چرا که می‌دانیم قاعده تسلیط تا جایی اجرا می‌شود که ضرری متوجه کسی یا حقی نباشد. در واقع (قاعده لاضرر) که براساس حدیث نبوی (لاضرر و لاضرار فی الاسلام) ضرر و زیان رساندن در اسلام وجود ندارد به وجود آمده است، همواره در امور مدنی بر قاعده تسلیط حکومت دارد. از دیدگاه فقهی (ضرر) هم شامل (مال) می‌شود و هم شامل (نفس) می‌گردد. به این ترتیب، از آنجایی که خودکشی نوعی ضرر است، اسلام نیز انجام آن را هرگز مجاز نمی‌شمارد. مضافاً اینکه براساس قاعده فقهی (کلما اضر بالبدن فهو حرام)، هر چیزی که به بدن ضرر برساند حرام است. خودکشی نیز کامل‌ترین نوع ضرر رساندن به بدن بوده و از این نظر، قطعاً حرام می‌باشد. (کی‌نیا، ۱۳۸۴).

نتیجه‌گیری

خودکشی نوعی قتل نفس همراه با وحدت قاتل (جانی یا بزه‌کار) و مقتول (مجنی علیه یا بزه دیده) است. به عبارت دیگر، خودکشی یک نوع آدمکشی است که تغییر سمت یافته و به جای اینکه آدمی، فرد دیگری را بکشد خود را هدف قرار می‌دهد. از این نظر، خودکشی مهمترین نوع خشونت تغییر شکل داده شده است. انتحار از دیدگاه اسلام حرام بوده و حرمت آن از نظر کتاب، سنت و اجماع ثابت گشته و برای مرتکب آن کیفر اخروی وعده داده شده است. معاونت در خودکشی نیز از دیدگاه حقوق جزای اسلام تلقی گشته و مرتکب آن مستوجب تعزیر می‌باشد. در زمان‌های گذشته خودکشی از نظر بسیاری از ملل جرم نبوده و حتی گاهی یک عمل افتخارآمیز هم تلقی می‌شده است که از آن جمله می‌توان به خودکشی‌های موسوم به در ژاپن، در هندوستان و در بین اسکیموها اشاره نمود. اما کم‌کم با نفوذ دین مسیح و تفکرات مذهبی در غرب، خودکشی ممنوع شده و مخالف مذهب تلقی گشت و برای مرتکب نیز مجازات‌هایی در نظر گرفته شد. لیکن با ظهور افکار و در کشورهای غربی، مجدداً خودکشی مورد قرار گرفت، البته این بار به دلیل اصل آزادی اراده انسان و حاکمیت مطلق او بر سرنوشت خویش. با این وجود، برخی از صور معاونت در خودکشی در قوانین جزایی بعضی از کشورها مورد قرار گرفته و قابل مجازات می‌باشند. اما در حقوق جزای ایران، خودکشی و شروع به آن جرم نیست و از آنجایی که قانونگذار ایران از نظریه استفاده کرده است، معاونت در خودکشی هم جرم نبوده و قابل کیفر نمی‌باشد. البته اخیراً بر طبق قانون مجازات جرایم رایانه‌ای، برخی از صور معاونت در خودکشی به وسیله سیستم‌های رایانه‌ای و مخبراتی، جرم بوده و قابل مجازات هستند.

منابع و مأخذ

- اردبیلی، محمدعلی: حقوق جزای عمومی، ج ۱، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۷۹، ص ۷۲.
- آقای، محمدعلی: آیات الاحکام حقوقی (مدنی - کیفری)، تهران: انتشارات خط سوم، چاپ دوم، ۱۳۸۱، ص ۱۳۵.
- براندون، استیو: مروری بر حقوق جزای انگلستان، ترجمه و توضیحات: حسین میرمحمد صادقی، تهران: نشر حقوقدان، چاپ اول، ۱۳۷۵، ص ۸۴.
- یاد، ابراهیم: حقوق کیفری اختصاصی، ج ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۴۸، ص ۳۱.
- شیخ طوسی: خلاف، ج ۳، ص ۱۴۳، مسئله ۱۰۷.
- صدیق سروستانی، رحمت‌الله: آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی)، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۸۶، ص ۱۵۰.
- طباطبایی، محمدحسین: المیزان فی تفسیر القرآن، مترجم: محمدباقر موسوی، ج ۴، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۳، ص ۵۰۶-۵۰۵.
- کلارکسن، سی‌ام‌وی: تحلیل مبانی حقوق جزا، مترجم: حسین میرمحمد صادقی، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، ۱۳۷۴، ص ۱۸۶.
- کی‌نیا، مهدی: مبانی جرم‌شناسی، ج ۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ هفتم، ۱۳۸۴، ص ۴۵۴.

- گلدوزیان، ایرج: حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه تمامیت جسمانی و)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران چاپ یازدهم، ۱۳۸۴، ص ۵۶.
- محمدی، ابوالحسن: مبانی استنباط حقوق اسلامی یا اصول فقه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ شانزدهم، ۱۳۸۲، ص ۱۶۷.
- مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از محققان: تفسیر نمونه، ج ۳، قم: دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست و چهارم، ۱۳۷۵، ص ۳۵۶.
- نهج البلاغه
- قرآن کریم
- ولیدی، محمدصالح: حقوق جزای اختصاصی (جرایم علیه اشخاص) ، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ ششم، ۱۳۸۰، ص ۱۴۱.